



ایدئولوژی جهان اسلام از بالاترین قدرت‌ها خواهد بود

سال 2025 از نگاه شورای اطلاعات ملی آمریکا ایدئولوژی جهان اسلام از بالاترین قدرت‌ها خواهد بود شورای اطلاعات ملی آمریکا در ارزیابی خود از جهان در سال 2025 پیش‌بینی کرده است قدرت ایدئولوژی جهان اسلام از قویترین قدرت‌ها در آن سال‌ها باشد.

به گزارش فارس، این گزارش شورای اطلاعات آمریکا (NIC) با عنوان "روندهای جهانی 2025: دنیایی تغییریافته" نام دارد. *** خبرگزاری فارس نظر به اهمیت و جامعیت این گزارش و با توجه به کاربرد آن برای محافل علمی و مطالعاتی کشور اقدام به ترجمه مطلب کرده و درج آن نشان‌دهنده تایید محتوای آن نیست. ضمن اینکه مواضع جمهوری اسلامی ایران درباره اتهامات مطرح‌شده در این گزارش روشن است و توسط مقامات کشورمان بارها مورد تبیین قرار گرفته است. *** شورای اطلاعات ملی آمریکا (NIC)

مرکزی است برای مطالعات راهبردی میان‌مدت و بلندمدت در چارچوب جامعه اطلاعاتی آمریکا (IC). این سازمان در سال 1979 بنا نهاده شد.

شورای اطلاعات ملی آمریکا، هدایت تلاش‌های جامعه اطلاعاتی آمریکا در تدوین برآورد اطلاعات ملی (NIE) و دیگر اسناد اطلاعاتی را برعهده دارد و به سازمان اطلاعات ملی آمریکا گزارش می‌دهد. همچنین نقشی محوری در مسایل مربوط به سیاستگذاری دارد. این شورا در تخصیص منابع جامعه اطلاعاتی در واکنش به تغییرات در سیاستگذاری مشارکت داشته و با کارشناسان دانشگاهی و مراکز خصوصی برای گسترش دیدگاه‌های جامعه اطلاعاتی ارتباط برقرار می‌کند. هدف از این سازمان ارایه اطلاعات لازم به سیاستگذاران بدون توجه به منطبق بودن این اطلاعات به سیاست‌های کنونی این کشور است. یکی از مهمترین پروژه‌های تحلیلی این شورا ارایه گزارش‌های جهانی است. این گزارش‌ها که هر پنج سال یکبار منتشر می‌شوند ارزیابی ماجراها و سناریوهایی است که برای آینده جهان با افق زمانی 15 ساله پیش می‌آید. این گزارش‌های جهانی، ارایه کننده اساس ارزیابی سیاستگذاری راهبردی بلندمدت برای کاخ سفید و جامعه اطلاعاتی است که تازه‌ترین آن گزارش روند جهان در سال 2025 است.

"توماس فینگار" ریاست شورای امنیت ملی آمریکا را برعهده دارد. وی از ژوئیه 2004 تا ماه می 2005 به عنوان دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در امور اطلاعاتی و تحقیقاتی بود که پس از پایان این دوره به سمت معاون مدیر سازمان امنیت ملی در امور تحلیل و رئیس شورای امنیت ملی برگزیده شد. پیش از وی "رابرت هاپینگز" ریاست این شورا را در دست داشت. دوران ریاست هر دو مقام همزمان با ریاست جمهوری جرج بوش بوده است.

در حال حاضر "استفن اس. کپلان" معاون رئیس شورای اطلاعات ملی است. وی در 20 اوت 2007 به معاونت این شورا و دستیار معاون سازمان اطلاعات ملی در این شورا برگزیده شد. کپلان در سال 1980 به عنوان کارشناس امور اتحاد جماهیر شوروی به این نهاد اطلاعاتی پیوست.

افرادی مانند "متیو جی باروز" که از مه 2003 به عنوان مدیر کارکنان تحلیلی در شورای اطلاعات ملی عمل می‌کند از مشاوران این نهاد به شمار می‌رود. (بخش دوم گزارش)

برنامه‌های جدید فراملی

مسایل مربوط به تامین منابع در دستورکار بین‌المللی جایگاه برجسته‌ای خواهند یافت. رشد اقتصادی غیرمترقبه که از بسیاری از جهات مثبت است بر فشارها بر برخی از منابع بسیار راهبردی از جمله انرژی، غذا و آب ادامه خواهد داد و میزان تقاضا در دهه آینده یا بیشتر از آن به راحتی از منابع موجود فراتر خواهد رفت. به عنوان مثال، تولیدات هیدروکربن‌های غیراوپیک مانند نفت خام، مایعات گاز طبیعی و مواد غیرمعارفی مانند قیر متناسب با میزان تقاضا رشد نخواهد کرد. تولید نفت و گاز بسیاری از تولیدکنندگان سنتی انرژی هم‌اکنون نیز در حال کاهش است. در کشورهای دیگر مانند چین، هند، مکزیک تولید پایین آمده است. کشورهایایی که قابلیت توسعه قابل توجه تولیدی داشته باشند، تحلیل می‌روند. تولید نفت و گاز در مناطق بی‌ثبات تمرکز خواهد یافت. در نتیجه این عوامل و دیگر عوامل، جهان در میانه انتقال اساسی انرژی از نفت به سمت گاز طبیعی، ذغال سنگ و دیگر گزینه‌های جایگزین نفت قرار خواهد گرفت.

برآورد بانک جهانی حاکی است که تقاضا برای غذا تا سال 2030 به میزان 50 درصد افزایش پیدا می‌کند. این امر در نتیجه رشد جمعیت جهان، افزایش فراوانی کالاها و تغییر سلیقه‌های تغذیه‌ای در رده‌های میانی جمعیتی به سلیقه‌های غذایی غربی پیش می‌آید. نبود دسترسی به منابع باثبات تامین آب بخصوص برای استفاده برای کشاورزی به مرز حیاتی رسیده و

این مشکل بخاطر گسترش شهرنشینی در جهان وخیم خواهد شد و حدود يك میلیارد و 200 میلیارد نفر در 20 سال آینده به جمعیت افزوده خواهد شد. کارشناسان امروزه، 21 کشور با جمعیتی 600 میلیون را در نظر می‌گیرند که در معرض خطر کمبود آب شیرین قرار دارند. 36 کشور با جمعیتی معادل يك میلیارد و 400 میلیون نفر بخاطر رشد جمعیتی تا سال 2025 در زمره این دسته قرار خواهند گرفت.

انتظار می‌رود تغییرات آب‌وهوایی بر کمبود منابع شدت دهد. اگر چه تاثیر تغییرات آب‌وهوایی در هر منطقه از دنیا متفاوت خواهد بود اما شمار مناطق تاثیرات مضر آن بخصوص کمبود آب و تولید کشاورزی را احساس خواهند کرد. اختلافات منطقه‌ای در تولیدات کشاورزی به مرور زمان برجسته‌تر خواهد شد و بطور غیرقابل تناسبی در کشورهای در حال توسعه و بخصوص کشورهای پایین صحرای آفریقا دچار افت خواهد شد. انتظار می‌رود خسارات کشاورزی با تاثیرات اساسی پیش‌بینی شده توسط بسیاری از اقتصاددانان در اواخر این قرن، بیشتر شود. برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کاهش تولیدات کشاورزی بخاطر کاهش شدید سهام اقتصادهای آنها سهمگین خواهد بود و شهروندان آنها به گذران زندگی نزدیک خواهند شد.

فناوری‌های جدید می‌تواند بار دیگر راهکارهایی تازه مانند گزینه جایگزین مناسب برای سوخت فسیلی یا ابزاری برای غلبه بر محدودیت‌های آب و غذا ارایه کنند. به هر حال، همه فناوری‌های کنونی برای جایگزینی معماری انرژی به اندازه مورد نیاز نامناسب هستند و فناوری‌های جدید انرژی احتمالاً تا سال 2025 از نظر اقتصادی معتبر و همه‌گیر نخواهند بود. روند نوآوری‌های فناوری از اهمیت بالایی برخوردار است. حتی با سیاستگذاری و ارایه بودجه مناسب برای سوخت‌های بیولوژیکی، ذغال سنگ پاک یا هیدروژن، روند انتقال به استفاده از سوخت تازه، کند خواهد بود. سابقه بر این بوده است که فناوری‌های عمده تا به سازگاری کامل برسند با ناخیر همراه بوده‌اند. در بخش انرژی، مطالعات تازه نشان داده است که تقریباً 25 سال طول می‌کشد يك فناوری جدید تولیدشده، همگانی شود.

با وجود آن چه که در شرایط کنونی دور از دسترس می‌رسد، نمی‌توانیم امکان این امر را رد کنیم که دوره گذار استفاده از انرژی تا سال 2025 پیش آید و این امر از هزینه‌های تغییرات کلی در زیرساخت‌های انرژی ممانعت به عمل می‌آورد. بالاترین احتمال برای يك دوره گذار سریع در این دوره از منابع بهتر تجدیدپذیر مانند باد و انرژی نوری و بهبود فناوری باتری‌ها حاصل می‌شود. با وجود این فناوری‌ها، موانع هزینه‌ای زیرساختی برای طرح‌های انفرادی کمتر خواهد بود و به بسیاری از عوامل کوچک اقتصادی امکان می‌دهد تا طرح‌های تغییر انرژی را که بطور مستقیم به منافع آنها مرتبط باشد، اجرا کنند. به عنوان مثال، سلول‌های سوختی ثابت برای تامین برق ادارات و منازل، خودروهای هیبریدی که باطری‌های آنها قابل شارژ هستند، انرژی را بار دیگر به مدار باز می‌گردانند.

همچنین مدل‌های تبدیل انرژی مانند طرح‌ها برای تولید هیدروژن برای سلول‌های سوختی وسایل نقلیه از برق گاراژها می‌تواند مانع از ضرورت توسعه زیرساخت‌های پیچیده حمل‌ونقل هیدروژنی شود. دورنمای تروریسم، مناقشات و گسترش هسته‌ای

تروریسم، گسترش هسته‌ای و مناقشات از نگرانی‌های اصلی حتی برای زمانی است که مسایل مربوط به تامین منابع در دستورکار اصلی بین‌المللی قرار دارد. بعید است که تروریسم تا سال 2025 ناپدید شود اما هیبت آن اگر رشد اقتصادی ادامه پیدا کند و میزان بیکاری جوانان در خاورمیانه کاهش می‌یابد، از بین می‌رود.

فرصت‌های اقتصادی برای جوانان و تعدد بیشتر سیاسی شاید برخی از آنها را از پیوستن به جرگه تروریسم باز دارد اما دیگرانی که انگیزه‌های مختلفی مانند تمایل به انتقام‌جویی و شهادت دارند، همچنان به خشونت به عنوان راهی برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌گیرند. در نبود فرصت‌های کاری و ابزارهای قانونی برای بیان تفکرات سیاسی، شرایط برای نارضایتی‌ها و افزایش افراط‌گرایی فراهم آمده و احتمال جذب جوانان به شبکه‌های تروریستی فراهم می‌آید. گروه‌های تروریستی در سال 2025 احتمالاً ترکیبی از نوادگان گروه‌های سازمان یافته قدیمی تروریستی که وارث ساختار و روند کنترل و فرماندهی سازمانی و روندهای آموزشی لازم برای انجام حملات پیچیده و سخت با مجموعه‌ای از قانون‌شکنانی تازه به دوران رسیده‌ای خواهند بود که اصول خاص خود را دنبال می‌کنند. برای این گروه‌های تروریستی که در سال 2025 فعال هستند، پخش و گسترش فناوری و دانش علمی، امکان دسترسی آنها را به خطرناک‌ترین قابلیت‌ها فراهم می‌آورد. یکی از نگرانی‌ها عمده ما [نهادهای اطلاعاتی آمریکا] همچنان این خواهد بود تروریست‌ها و دیگر گروه‌های شریک ممکن است به عوامل بیولوژیکی دسترسی پیدا کرده و آن را به کار گیرند یا احتمال کمتر وجود دارد که به يك سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند که بتواند تلفات گسترده‌ای ایجاد کند.

اگر چه دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای اجتناب‌ناپذیر نیست اما دیگر کشورهایی که از ایران دارای سلاح هسته‌ای نگران هستند کشورهای منطقه را به تدوین سازوکار جدید امنیتی با قدرتهای خارجی، دستیابی به تسلیحات بیشتر و دنبال کردن سلاح هسته‌ای مخصوص خود هدایت می‌کنند. معلوم نیست که این نوع از رابطه بازدارنده که میان قدرتهای بزرگ جهان در طی دوران جنگ سرد وجود داشت بتواند در خاورمیانه پیش‌آید که ایران در آن دارای سلاح هسته‌ای است. احتمالات بروز مناقشات سبک تحت يك چتر هسته‌ای می‌تواند به بروز مناقشه‌ای ناخواسته فزاینده در صورتی بینجامد که خطوط قرمز میان کشورهای دخیل در کار کاملاً تدوین و روشن نشده است.

اعتقاد ما این است که مناقشات ایدئولوژیکی مشابه زمان جنگ سرد بعید است در جهانی شکل بگیرد که بیشتر کشورها مشغول چالش‌های عملی جهانی‌شدن و تغییر در ساختار قدرت جهانی هستند. قدرت ایدئولوژی در میان جهان اسلام

بخصوص با محوریت عربی قویترین خواهد بود. در آن کشورها که احتمالاً با جمعیت جوان و اقتصاد ضعیف مواجه خواهند بود مانند پاکستان، افغانستان، نیجریه و یمن، روند سلفی‌گری تقویت خواهد شد. نوعی از درگیری‌هایی که ما تاکنون شاهد آنها نبوده‌ایم مانند درگیری‌هایی که درباره منابع انجام می‌شوند، ظهور خواهند کرد. مفهوم کمیابی انرژی کشورها را به اتخاذ اقداماتی برای تضمین دسترسی آنی به منابع انرژی وادار می‌کند. در بدترین حالت، این امر می‌تواند به مناقشات بین کشوری در صورتی منجر شود که به سران حکومت‌ها تضمین دسترسی به منابع انرژی داده شود به عنوان مثال، این امر برای حفظ ثبات داخلی و حیات نظام‌هایشان اساسی باشد. به هر حال، حتی اقداماتی که به جنگ ختم نمی‌شوند نیز پیامدهای مهم ژئوپلیتیکی به همراه خواهند داشت. نگرانی مربوط به امنیت دریایی ایجاد سازوبرگ دریایی و تلاش برای مدرنیزه کردن را منطقی می‌سازد. مانند آنچه در مورد توسعه توانایی دریایی هند و چین مواجه هستیم. قدرتی توانایی دریایی منطقه‌ای منجر به افزایش تنش‌ها، رقابت‌ها و اقدامات ایجاد توازن خواهد شد بلکه همچنین فرصت‌هایی برای همکاری‌های چندملیتی در حفاظت از مناطق حساس دریایی فراهم خواهد کرد. با کمبود آب بخصوص در آسیا و خاورمیانه، همکاری برای مدیریت منابع آب در داخل یا بین کشورها دشوارتر خواهد شد. خطر استفاده از سلاح هسته‌ای در 20 سال آینده با وجود آن که بسیار اندک است اما احتمال آن بخاطر تمرکز بیش از حد بر مسایل خاص، بیشتر است. گسترش فناوری‌ها و تخصص‌های هسته‌ای نگرانی‌هایی را درباره احتمال ظهور یک کشور جدید هسته‌ای و دستیابی به مواد هسته‌ای از سوی گروه‌های تروریستی بوجود آورده است. درگیری‌های پراکنده کنونی میان هند و پاکستان این دورنما را تقویت می‌کند که چنین حوادثی منجر به بروز مناقشه عمیق‌تر میان این دو کشور هسته‌ای شود. احتمال بروز تغییر نظام یا فروپاشی در کشورهای هسته‌ای مانند کره شمالی نیز تردیدها درباره توانایی کشورهای ضعیف در کنترل و تأمین امنیت زرادخانه‌هایشان را بیشتر کرده است. اگر سلاح‌های هسته‌ای در 15 الی 20 سال آینده استفاده شوند، نظام بین الملل که مشغول تجربه واکنش‌های فوری انسانی، اقتصادی و سیاسی و نظامی است، شوکه خواهد شد. استفاده از سلاح هسته‌ای در آینده تغییرات مهم جغرافیایی سیاسی در شرایطی پدید خواهد آورد که برای کشورها تلاش می‌کنند همکاری‌های امنیتی خود را با قدرت‌های هسته‌ای موجود تدوین و تقویت کنند. دیگران به دنبال خلع سلاح هسته‌ای دنیا خواهند رفت.

یک نظام بین‌الملل پیچیده‌تر

حرکت به سوی پراکندگی اختیارات و قدرت که در دو دهه گذشته بوقوع پیوسته احتمالاً تشدید خواهد کرد که بازیگران عمده جدیدی در جهان ظهور خواهند کرد، کسری سازمانی تقویت خواهند شد. بلوک‌های منطقه‌ای احتمالاً توسعه خواهند یافت و عوامل و شبکه‌های غیردولتی تقویت خواهند شد. چندگانگی عوامل دخیل در عرصه بین‌الملل می‌تواند از لحاظ پر کردن شکاف ایجاد شده باقی مانده از نهادهای قدیمی جنگ جهانی دوم، بر شکاف و چنددستگی میان نظام بین‌الملل و همکاری بین‌المللی غیرکارآمد، بیفزاید. تنوع بازیگران احتمال چنددستگی در دو دهه آینده را بخصوص با توجه به گستردگی چالش‌های فراملی پیش‌روی جامعه بین‌الملل بیشتر خواهد کرد.

بعید است بروز قدرت‌های کوچک و نوظهور چالشی برای نظام بین‌الملل به آنگونه‌ای فراهم آورد که آلمان و ژاپن در قرن نوزدهم و بیستم پدید آوردند. زیرا بخاطر گسترش سلطه اقتصادی و ژئوپلیتیکی آنها آزادی زیادی برای سازگار کردن سیاست‌های سیاسی و اقتصادی دارند که بر اساس الگوهای غربی تدوین شده‌اند. آنها همچنین احتمالاً تمایل دارند که مانور آزادی سیاست‌گذاری خود را حفظ کرده و کاری کنند دیگران فشار اصلی بار رسیدگی به موضوعاتی مانند تروریسم، تغییرات آب‌وهوایی، گسترش هسته‌ای و امنیت انرژی را بر دوش بکشند.

نهادهای چندجانبه موجود که عریض و طویل هستند برای نظم ژئوپلیتیکی متفاوتی ایجاد شده‌اند و در تدوین و برعهده گرفتن ماموریت‌های جدید، اصلاح تغییرات در عضویت آنها و تکمیل منابع آنها با دشواری‌هایی مواجه خواهند شد. سازمان‌های غیردولتی (NGOs) که بر مسایل خاص تمرکز دارند بطور فزاینده‌ای جایگاه خاص خواهند یافت اما شبکه‌های سازمان‌های غیردولتی احتمالاً در توانایی خود در ایجاد تغییرات در نبود تلاش‌های متمرکز توسط نهادها یا دولت‌های چندجانبه‌گرا محدود خواهند بود. تلاش‌هایی که با جامعیت بیشتر به منظور منعکس کردن ظهور قدرت‌های تازه‌تر انجام می‌شود، ممکن است این امر را برای سازمان‌های بین‌المللی برای رسیدگی به چالش‌های فراملی سخت‌تر کند. احترام به دیدگاه‌های مخالف کشورهای عضو به شکل دهی به دستور کار سازمان‌ها و محدود کردن راهکارهایی می‌انجامد که می‌توان از آنها بهره گرفت.

منطقه‌گرایی گسترده‌تر آسیایی که تا سال 2025 محتمل است، نشانه‌های جهانی به همراه خواهد داشت و روندی را به سوی قالب‌های سه‌گانه اقتصادی و مالی می‌گشاید که می‌تواند شبه‌بلوک‌هایی در آمریکای شمالی، اروپا و شرق آسیا را تشکیل دهد. تشکیل چنین شبه‌بلوک‌هایی نموده‌ای در توان دستیابی به توافقنامه‌های مربوط به سازمان تجارت جهانی خواهد داشت. قالب‌های منطقه‌ای می‌توانند در تدوین معیارهای فرامنطقه‌ای برای فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، حقوق نخبان و دیگر جنبه‌های اقتصاد نوین رقابت کنند.

از سوی دیگر بخاطر نبود همکاری منطقه‌ای در آسیا، می‌تواند به رقابت میان چین، هند و ژاپن بر سر منابعی مانند انرژی منجر شود. نکته اساسی برای پیچیدگی فزاینده درباره نقش‌های همپوشاننده کشورها، نهادها و عوامل غیردولتی "گسترش هویت‌های سیاسی" است. این امر برای تدوین شبکه‌های جدید و احیای جوامع مهم است. هیچ یک از هویت‌های سیاسی در جوامع سال 2025 دارای سلطه نیست. شبکه‌های برپایه مذهب ممکن است شبکه‌های اساسی باشند و در کل ممکن

است نقش قدرتمندی را در بسیاری از مسایل فراملی مانند محیط زیست و نابرابری بازی کنند تا این که به دنبال دسته‌بندی سکولار باشند.

آمریکا: قدرت با سلطه کمتر

آمریکا در سال 2025 یکی از بازیگران اصلی در صحنه خواهد بود البته همچنان قدرتمندترین خواهد بود. حتی از نظر قدرت نظامی که آمریکا همچنان از مزیت‌های برتری در سال 2025 برخوردار خواهد بود، پیشرفت دیگران در علوم و فناوری، توسعه تاکتیک‌های جنگ نامنظم توسط عوامل حکومتی و غیرحکومتی، گسترش سلاح‌های دوربرد دقیق و استفاده فزاینده از حملاتی که توسط جنگ شبکه‌ای [سایبر] انجام می‌شود، آزادی عمل آمریکا را بطور فزاینده‌ای محدود خواهد کرد. نقش محدودتر برای آمریکا این نشانه و احتمال را برای دیگران به همراه دارد که به مسایل مهمی که در دستور کار قرار دارند بهتر و کارآمدتر رسیدگی شود. با وجود افزایش ضدآمریکارایی در سال‌های اخیر، شاید از آمریکا به عنوان موازنه‌کننده ضروری در خاورمیانه و آسیا یاد شود. انتظار می‌رود که آمریکا همچنان با استفاده از قدرت نظامی خود نقش عمده‌ای برای مبارزه با تروریسم جهانی ایفاء کند.

در مسایل امنیتی جدیدتر مانند تغییرات آب‌وهوایی، نقش آمریکا در هدایت کار به عنوان نقشی حیاتی برای اعمال فشار برای یافتن راهکار باشد. در عین حال، چندگانگی عوامل موثر و بی‌اعتمادی قدرت به معنی فضای کمتر برای آمریکا برای زدن حرف آخر بدون کسب حمایت‌های قوی از سوی شرکاء می‌دهد. تحولات در دیگر نقاط جهان، از جمله تحولات داخلی در برخی کشورهای مهم مانند چین و روسیه برای تدوین سیاست‌های آمریکا تعیین کننده خواهد بود.

2025- چه آینده‌ای در پیش است؟

روندهای ذکر شده در بالا آرایه کننده ادامه نیافتن، وارد شدن شوک و شگفتی بزرگی خواهد بود که ما در طول این گزارش بر آن تاکید کرده‌ایم. مثال این امر شامل استفاده از سلاح هسته‌ای است. در برخی موارد، نکته تعجب‌آور تنها عامل زمانبندی است: به عنوان مثال، انتقال انرژی غیرقابل اجتناب است. تنها سوالات مطرح شده آن است که چگونه و چه زمان چنین انتقالی در منابع انرژی به صورت آرام یا ناگهانی پیش خواهد آمد. تغییر انرژی از یک نوع سوخت (سوخت‌های فسیلی) به دیگر گزینه‌های جایگزین اتفاقی است که شاید تنها یک بار در طول یک قرن و با پیامدهای مداوم اتفاق می‌افتد. تغییر ساختار از چوب به ذغال سنگ به صنعتی شدن انجامید. در این حالت، انتقال بخصوص اگر به ناگهان از سوخت فسیلی باشد انعکاسی عمده برای تولیدکنندگان انرژی در خاورمیانه و اورآسیا خواهد بود و احتمالاً به کاهش مداوم در قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برخی کشورها منجر می‌شود.

پیش‌بینی می‌شود که ادامه نیافتن برخی روندها کمتر پیش آید. احتمال این امر وجود دارد که این امر در نتیجه تعامل روندهای متعدد و بسته به کیفیت رهبری پیش آید. ما این ناطمینانی را داریم که آیا روسیه و چین در این دسته بندی به دموکراسی بدل شوند. افزایش طبقه متوسط در چین، فرصت‌ها را افزایش می‌دهد اما بروز چنین تحولاتی را غیرقابل اجتناب نمی‌کند. به نظر می‌رسد چندگانگی سیاسی بعید است در روسیه با نبود تنوع اقتصادی بوقوع بپیوندد. فشار از رده‌های پایین ممکن است این مسئله را به پیش برد یا رهبری در این کشورها ممکن است به تقویت دموکراسی شدن برای ادامه و محکم‌کاری در روند رشد اقتصادی بپردازد. سقوط ناگهانی قیمت نفت و گاز به صورت مداوم دورنمای کار را تغییر می‌دهد و دورنمای آزادی اقتصادی و سیاسی بیشتر در روسیه را تقویت می‌کند. اگر هر یک از این کشورها قرار باشد دموکراسی در آنها اجرا شود، موج جدیدی از دموکراسی با اهمیت گسترده برای بسیاری از دیگر کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌شود.

از دیگر موارد مبهم نتیجه چالش‌های جمعیتی است که اروپا، آمریکا و حتی روسیه را تهدید می‌کند. هرکدام از این کشورها از نظر جمعیتی مجبورند تصور قدرت منطقه‌ای و جهانی کمتر و پیامدهای غیرقابل اجتناب داشته باشند. فناوری، نقش مهاجرت، بهبود سلامت عمومی و قوانین ترغیب کننده مشارکت بیشتر زنان در اقتصاد از برخی از تدابیری است که می‌تواند روند کنونی به سوی رشد اقتصادی کمتر را تغییر داده و تنش‌های اجتماعی و افول احتمالی را افزایش می‌دهد.

این که نهادهای جهانی توان سازگاری یا احیاء را داشته باشند که این خود یکی از ابهامات مهم است، از عملکردهای رهبران کشورها است. روندهای کنونی نشان می‌دهند که پراکندگی قدرت و حاکمیت می‌تواند کاستی در هدایت جهانی ایجاد کند. تغییر این روندها ممن است به هدایت قدرتمند در جامعه بین‌الملل توسط برخی از قدرت‌ها از جمله قدرت‌های نوظهور نیاز داشته باشد.

برخی بی‌اطمینانی‌ها در صورت وقوع پیامدهای شدیدتری تا دیگر موارد خواهند داشت. در این گزارش ما بر احتمالات کلی مناقشات تاکید می‌کنیم که برخی از آنها جهانی‌سازی را تهدید می‌کنند. ما تروریسم دارای سلاح‌های کشتار جمعی و یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه را در این دسته تقسیم‌بندی می‌کنیم. درباره این مسایل و تاثیرات احتمالی آن در متن گزارش پرداخته‌ایم که تاکید بر چالش‌های تازه‌ای است که می‌تواند در نتیجه این تغییرات در جهان ایجاد شود.